

نا ان اسرار افراطی فیلم‌ساز پرای نیت کوچترین واکنش‌ها و بازتاب‌های بیان‌سازکر و کنترل سدیدی که او بر این‌جذب بیان‌سازکر می‌بیند و احیاناً می‌اندیشد اعمال می‌کند. از بازی‌های عموماً مسیدیانه فیلم (هموز نیم دام) اجمله در نفس حاجی نهدی با حد ترقی‌دهنده روانشی در این مجموعه نفس افرینشی‌های خشک و ناتیری اینکونه مقاومت ظاهر شود) بکمیرید تا نمادگرایی تک درست و متناظرانه فیلم (حضور مکور این نظریان، این نقاشی دیواری عولی بیکر و این فید در ظرف خونی که «کلرخ کمالی» بالا می‌آورد و فرار است ما را در فضای هیجانکاری قرار دهد)

از خسرو دهقان خواستیم تایباید و اسرار سینمای بیضایی را پرای ما و خواندن‌کار نقد سینما بارگیر کند. فرارمان بر این بود تا شلیه بد فیلم جلو بیایم و بد سکلی بیانیک سینمایی بیضایی را مورد بحث قرار دهیم اما از همان ایندا بحث از زیر بیل موردنظر خارج شد راسیس من و جواد موسوی ناب تباوژدهم تا بحث سلطیق را که دهقان اغاز کرده بود با سبر و خوشله ادامه دهیم می‌خواهیم زود بر پاسخی پرای برسیش‌های خود داشته باشیم در این بحث من و موسوی علی رغیم اختلاف دید که همان نزوهای افرادی محسوب می‌شوند و دهقان نهضن عامل معادل و کنترل را اتفاق می‌کرد در این واقعیاً او بحث روسنگر و هترمند و فرق این دو مقوله را بده میان کشید که بد نظر من. کلید معنای سینمای بیضایی در این است و خود به خود این مزکوده به سمت این مقوله و بحث درباره این کشیده شد. حالا که دوباره بد مت این مزکوده مصاحبه نکاه می‌کنم می‌بینم هر جند از هدف اولیه - پرسی سینمای بیضایی از اغاز تا امروز - بد دور افتاده‌ایم. اما کلیت بحث نکات سودمندی را در احیاء خواننده فرار می‌دهد که ساید از بحث اولیه جذابی و خواندنی تر باشد و این سرنوشت تمام می‌گردد. همانی است که در یک طرف این خسرو دهقان فرار دارد.

سید احمد میرزا

از دی ماه سال ۷۹ تا به امروز در سه باری که سیکسی را دیده‌ام، حیزی جز ناس و سرخوردگی تعیین نشده ایس سوچه اندوزی و وسوسه بینای در مجام فیلم‌سازی می‌سد و همچنین از فراز و فرودهای فیلم‌ساز و غالکتری اینجا یعنی لذت می‌بردم اما بک جای کار استکال داسیب با سماحت در بیان فیلم‌سازی بودم که در جریان نارا و مسافران پرای دقایقی با این سلط اندیجه‌وار قصه بر ایزار سینما بیان‌سازکر را مسخر و مقهور می‌نموده بود و من هم تمام حسنه نیم را جمع کردم و بد دیدن فیلم‌سین نشیم. اما هر بار نامیدن از نیس از سالن خارج می‌شدم باد جلسه‌ای اتفاهم که ده سال همچنان بیضایی در کارگاه اموزنی فیلم‌سازی در مردم سینمای هیجانکار نگردان از ظرافت و نکد سنجی باور نگردان از راه‌های سینمای هیجانکار پرای ما کتف از موسوی‌گاب نماینک سینه فیلم‌سازی. نکاه عاصمه هیجانکار و سیوه بازی کوش او (هموز ناده ایست و پی از نوع بازی لارنس المور در سینه‌های از فیلم ریکا. حرف می‌زد جنونه تمام سالن را سکوت فرا کرده بود) نکایی که بسیاری از اینها را در هیچ تئاتر و مقالدی نخوانده بودم. اما حالا در سک کسی از آن همه ملولاخت و نکند سنجی خسرو نیسبت فیلم همچون ماسنی بیتر است که در حرج دنده‌های مفلتم و مساختارمندانه. هر گوشه احسان و ناخداگاهی را حرد می‌کند و تیاشکار را در جنگال نبرومند خود قرار او می‌دهد (یاد عبارت حکیم‌زاده از ویکتور برایز می‌افهم که در باره اینجا یعنی که از سک کنترل سده هیجانکار نقلید می‌کنند تو سه معلوم نیست جنونه سیکریان و موثر هیجانکار در دست مقلدانش اینکونه مطنطن و متناهانه می‌شود).

دو سیداران بیضایی در دی ماه و بهمن ماه پارادیسان شدند و نوانستند در حریقی مسحیم این فیلم را در حد ساختاری بی‌بدیل تحول خواندن کان خود داشتند اما املاک می‌تئم هموز نیم بولنی تک ماجرا را درک نکم. از آن بدوین مکانیک فیلم بکمیرید که ساخته‌گاه بیان‌سازکر را پاد روز مناوی بیمیکن می‌اندازد



# سایه رعب اور و شنفکر بر پژوهشگاه ملی

سگ‌کشی و  
سینمای بیهram بیضایی  
در میزگردی با  
حضور خسرو دهقان

خواهش خواه بمعنی فکر می کنید از قبیل مراجعی سعد امسی  
○ **دھقان** حدا به دهن دلیل پذیرایی مخرب احمدی روز بار  
خود را خوب علاوه بر اینکه نیز مختار است ممکن است این پیش از  
آنچه در اینجا آورده است بروز شفافیت در این بحث است - بدینه همچو  
دانشمندی می گویند و اینا به عنوان خوب یعنی بسیار همه جو ملادی می باشد  
و اینکه شفافیت همچو روش اینست که می تواند میان اینها میان اینها میان اینها  
بر اینکار پندتی این نظر ممکن است از آنکه او نتواند به این دلیل به عنین  
جهاتی مصروف باشد و سین میمه همان اینست که نشی همانی  
حلوی است که او از پیغمبر می نامندند  
همه

۰ دهقان کمالاً هر آنکه دستی پروران بینایی در شهر شاهزاد  
حصار نشاند و نهاده نمایند و از این فضای سیاسی، خدمتمند انتقام  
ستنداش و پاکیزگاری می‌نمایند. سری داده است در آنکه به  
عیالهای خود تهدیدات می‌مذکور و نزد خود رکن، در قدری می‌نموده  
خوب خواست. سری نسیم ایشان این مذکوران در ازای این شکوه و  
همچنانچه این ایشان را می‌سری باشد قیام سیاستیان خلصه نشانند و  
نه سری بدهند سیاستیان را.

۰ دهستان نوچاهد بپر ایستاده مکانیست که در سمت راست از  
شیر سه رودخانه سرچیده است و درین رودخانه هایی که از پارک  
نهریات ایجاد شده اند همچنان که درین پارک ایجاد شده اند

**دھقان** ایک ایسا بزرگ ملک ہے جو کوئی دوسرے ملک کا مقابلہ نہ کر سکے۔

**۰ دهقان** بزی بخت در پاره سیمای یکسانی به قدرم باشد از مجموعه  
سازن تجهیز فیلمی که علی رغمه دمود سیاری، ویرگی خاک سیمای  
سیمان را در خود گذارد من بخوبیش زیست نماید حذف می خواهم  
بد نکم که می بولند برداشم. روشنی از سیمانی بتمامی و معرفت او  
با دنگر هنرمندان از دوران سیمای ایران را در آنبار مانانگار فرار

**موسوی** امایل سخ. که تنها مندرجات جان و هوای دانمار و

**۰ دهقان** پهلوی من نیز ما مساحتی نه صفتیم برای شاهزاده  
دکتر چنین سیده احمد علی خوش گفت: هر دو اندیشه های سنتی و علمی سب  
من از این نوع سمات خوبه است که باشد و اولی تصور هی آنکه نه به  
هر چیز من خود و محظوظ هستم در این میان میتوانم مثلاً اینکه این میتوانم  
جهنم را و پیغمبر را شمیم یعنی همه چیز را تصور کنم و میتوانم تصور کنم اند  
ما را از این دنیا که بسیاری از کسانی که این دنیا را میگذرانند که این دنیا که  
کار خواهد کرد و این دنیا که این دنیا که این دنیا که این دنیا که این دنیا  
این دنیا که این دنیا

# ساحت هنرمند

۰ دهستان نامه‌ای نمایند و این سه راه را برای ایشان از خود می‌گیرند: اول، خواسته از خود این را که شفاف و عروض - یعنی مقدار شفای را مشهود می‌نماید و خوب است از جایی که نیز این مقدار شفای نمایند و باید از آن بخوبی استفاده شود. دوم، نیز این که خود را می‌گیرند و این مقدار شفای نمایند و بخوبی استفاده شوند. سه‌م، نیز این که خود را می‌گیرند و این مقدار شفای نمایند و بخوبی استفاده شوند و نهایت این که خود را می‌گیرند و این مقدار شفای نمایند و بخوبی استفاده شوند و نهایت این که خود را می‌گیرند و این مقدار شفای نمایند و بخوبی استفاده شوند.

شده ام از این طبقه می باشد که در آن سایر این مکاناتی که در خارج از  
شهر قرار داشتند و بجهات نزدیکی به شهر و نزدیکی به راه راهنمایی  
گردیدند و در آنها نیز از این طبقه می باشد که در آنها نیز این مکاناتی  
که در آنها نزدیکی به شهر و نزدیکی به راه راهنمایی گردیدند و در آنها نیز  
خوس خواهند بود اما این اتفاق در این مکاناتی که نزدیکی به شهر نداشتند  
نه اتفاق می بود که خوس باشد اما این اتفاق در این مکاناتی که نزدیکی به شهر نداشتند  
بیشتر اتفاق نمی بود اما این اتفاق در این مکاناتی که نزدیکی به شهر نداشتند  
نه اتفاق می بود که خوس باشد اما این اتفاق در این مکاناتی که نزدیکی به شهر نداشتند  
**۰ دهستان** منطقه هایی هستند که در آنها مسکونی و تجارت محدودی و اقتصادی است که این مکانات

**۰ دهقان** خدیجه بن هریراً دهقانی پادشاه موتوچم، اکن از مردمان  
مشهور آن در عهد خلیفه عاصی مساعده عدوی خود را نزدیک خدمت بخوبی  
روزگارش از خوش اندیشی و فضیلی و زدن حب و روزگاری که درین ساله  
سیده هارون رضا هاشمی سلطان علیاً اخیر شاهزاده بحقوقیانی که در این  
کتاب آنها را در معرفت می‌نمایم و این اکن در مذهب اسلامی دین مسلمان و دین

**۰ دهقان** خوب است و بخوبی بخوبی شنیده شد ایست... بخوبی بخوبی شنیده شد...  
تکلمه است و بدین ترتیب با دیدگاه منتقد که نسبت به حادثه  
و اتفاق موقوت، موقتین میان چنانچه در این همچنان مفهومی خود را اینجا پس از  
اینچنان هر سه، نیازمند به مفهومی خود و پذیرشی خود را  
نمیتواند اینجا پس از اینچنان روزانه این دسته ایشان را شنیده باشد و بدین ترتیب ایشان  
خوب خواهد بود.



**خوبیں ہوں۔** مکمل سب لینے کیلئے پھر شور ملائیں گے۔ ملائیں گے۔ ملائیں گے۔ ملائیں گے۔

و شیخ هیر و رومسفکر و سید روسانشانی وجود ندارد پس از هم

لله نصري مهاسيلك منك نعم شفاعة لك يا رب انت انت انت انت انت انت

لطف خوبیه را در آن داشت و نهاده سرگردان شد. همچنان که این اتفاق رخورد، شاهزاده خوش بختی خود را با خود می برد.

میراثیه " لذتگر نهمه . همچو راه مهندسی و فرد و مهندسی در ایرانی داشت  
نهفته بکار راند . هنگامی که بدانسته شد اینها را میخواستند مهندسی را با همان اینها

۰ دهقان یا نیس در شهر آنلاک و شما بدهش دور شوی  
خوب خواهید بود

بیشتری همینه این مرز را روشنگری و هنرمندی را به سدت کنترل می کند. بیفشاری فیلم‌ساز، همان بیفشاری به سدت روشنگر، به سدت عاقل و به سدت دسیبلنه است. و راهمنی جنس که ترقیاتی های داد با سینما بیفشاری بیشتر